

که راه می‌روم چهره‌های زیادی می‌بینم که با آدم‌های معمولی فرق می‌کند. مثلاً شما به راحتی از کنار یک آدم فقیر یا کارمند یا از کنار هر سوژه‌ای که در خیابان قرار دارد، می‌گذرید، ولی من راحت نمی‌گذرم و با نگاه عمیق‌تری به این چهره‌ها نگاه می‌کنم تا در حافظه‌ام ثبت شود.

❑ **یک گریمر در چه حوزه‌هایی باید بیشتر مطالعه کند؟**

چون گریمر شاخه‌های زیادی دارد، نمی‌توان اشاره مستقیم کرد که گریمر چه منابعی را باید مطالعه کند. مثلاً من باید انواع بیماری‌ها را به طور نسبی بشناسم، به خاطر این که بدانم اثر فیزیکی آنها چیست. یک نفر چگونه شیمی درمانی شده، پرقان گرفته یا تب و لرز دارد، سر ماخورده و... این‌ها اثرات فیزیکی در چهره دارد. این از نظر شناخت در بیماری بود. از نظر شناخت جغرافیایی نیز باید در دانشناسم که یک چینی چه قیافه‌ای دارد یا آفریقایی، هندی و... چه چهره‌ای دارند، تفاوت اینها با هم چیست، در رنگ پوست، آناتومی صورت و...

با یک چهره پرداز باید به طور نسبی مجسمه‌سازی بداند. وقتی که قرار است شخصیتی را بسازم که پیشانی این شخصیت با آن نمی‌خواند، سعی می‌کنم با مجسمه آن را بسازم، یا گوش یا فک آن نمی‌خورد سعی می‌کنم آن را بسازم. وقتی می‌خواهیم یک شخصیت تاریخی را بسازیم که عکس آن هست و مردم هم با عکس این شخصیت آشنا هستند، این بازیگر هم نمی‌تواند صدر صد شکل او باشد. وقتی شخصیت را به من می‌دهند، با قالب برداری و قالب سازی، باید این را شبیه‌کنم، بنابراین من باید دستی در مجسمه‌سازی و شیمی داشته باشم. در کارگاه ۲۰ نوع ماده دم دست من هست، باید اثرات شیمیایی آن را بشناسم که با پوست آدم چکار می‌کند. تازه، باید چهره شناسی و اندکی هم تاریخ بدانم. وقتی شما می‌گویید این دوره سلجوقی است یا این مربوط به دوره‌های ساسانی، اوایل اسلام یا ۴۰۰ سال بعد از اسلام، باید این‌ها را تقریباً بشناسم و بدانم به کجاها باید مراجعه کنم تا این را به دست بیاورم. به این خاطر است که می‌گویم «چهره پرداز» شعبه‌ها یا بخش‌های زیادی دارد که تنها تمرکز روی چهره نیست، اگر فرد می‌خواهد طرح چهره پرداز شود حتماً باید ۱۰ سال در گریمر کار کرده باشد تا بتواند طرح تمام عیار گریمر شود. ممکن است در یک زمینه طرح شوید، مثلاً یکی «فون» خوب می‌زند، اسم آن طرح است، یکی هم که سبیل خوب می‌چسباند، اسمش را طرح می‌گذارند، ولی اگر یک طرح جامع می‌خواهید که بر چهره پرداز مسلط باشید، باید هنرهای مجسمه‌سازی، نقاشی، شیمی، جغرافیا و... را به‌طوری نسبی بدانید تا بتوانید در چهره پرداز موفق باشید.

❑ **وقتی یک عکاس می‌خواهد از فرد خاصی عکس بگیرد، باید با همه زوایای صورت او آشنا باشد تا بتواند از او یک پرتره خوب بگیرد، آیا در چهره پرداز هم همین گونه است؟**

ببینید، در مورد آدم‌هایی که می‌شناسم و در طول زمان با آنها کار کرده‌ام خیلی راحت حرکت می‌کنم، ولی آدم‌های «جدیدی» که می‌آیند باید زوایای صورت آنها را بشناسم. تست می‌زنم، عکس می‌گیرم، چون کار ما دوبعدی می‌شود، اول که صورت را گریمر می‌کنم، سه بعدی است، باید این تبدیل به فیلم و عکس بشود تا دوبعدی شود. تا به حال دیده‌اید بعضی وقت‌ها از یک آدم عکس می‌گیرند و به او می‌گویند، چقدر خوش عکس هستی یا گاهی اوقات عکس‌هایی که می‌گیرند، می‌گویند چقدر خودت خوشگل‌تر از عکس هستی، این به خاطر این است که ما طرف را سه بعدی می‌بینیم، وقتی عکس می‌گیرند دوبعدی می‌شود. بعضی نقایص در دوبعدی شدن از بین می‌رود، آن وقت تصویر فرد زیبا نشان می‌دهد ولی بعضی‌ها را که معمولی نگاه می‌کنی، نقص آنها را نمی‌بینی اما عکس که می‌گیرند، نقص آن بیرون می‌زند. آن موقع می‌گویند، خودت چقدر زیباتر از عکست هستی. کار ما هم، همین گونه است. وقتی تست می‌گیرم، تازه به آن صورت شناخت کامل پیدا می‌کنم.

دیگر این که، بعضی آدم‌ها که زیر دست آدم می‌نشینند، گریمر را دوست دارند یا بعضی‌ها هستند که دوست دارند شما از آنها عکس بگیرید. در نتیجه با تمام وجود می‌آیند و جلو دوربین شما می‌نشینند. اما بعضی اوقات یکی با اکراه جلو دوربین شما می‌آید و دوست ندارد که از او عکس بگیرید. یا اصلاً از عکس خوشش نمی‌آید، مسلماً، چهره پرداز یا عکاس موفق نخواهد شد از این فرد یک پرتره خوب بگیرد.

❑ **برای این که «نقش» در شخصیت فرد جاببفتد، یا شخص چهره را خوب بگیرد، آیا صحبت خاصی هم با هنرپیشه‌می‌کنید؟**

همانگونه که من سناریو را خوانده و با کارگردان صحبت می‌کنم و یک شخصیت را در ذهنم آماده می‌کنم، هنرپیشه هم



حتماً فیلمنامه را خوانده و نقش به نقش با کارگردان صحبت کرده است. بنابراین وقتی بازیگر زیر دست من می‌نشیند، سعی می‌کنم با ترند خودم جلو بروم. مثلاً از او می‌پرسم که تو چگونه این آدم را می‌بینی، چه حسی گرفتی، او حرف می‌زند و من حرف می‌زنم، من از او ایده می‌گیرم، او از من ایده می‌گیرد. او دارد درون خود را گریمر می‌کند، یعنی شخصیت را می‌سازد، من هم دارم ظاهر او را درست می‌کنم. این است که اکنون شما اکثر گریمرها را که نگاه کنید، حس گریمری‌اش را متوجه می‌شوید و می‌فهمید که این آدم تغییر کرده است ولی صرفاً برایتان گریمر نیست، به خاطر این که ما تلفیق دو چیز را با هم انجام می‌دهیم. من ظاهر فرد را گریمر می‌کنم، هنرپیشه درون خود را گریمر می‌کند و اطلاعات خود را در اختیار من می‌گذارد و من هم اطلاعات ظاهری را برایش بیان می‌کنم، بنابراین وقتی گریمر تمام می‌شود، آن فرد هم شخصیت را پیدا کرده و من گریمر را انجام داده‌ام.

❑ **از چهره پردازان معاصر کارهای چه کسی بر شما اثر گذار بوده است؟**

از میان خارجی‌ها از «ریک بیکر» پیروی می‌کنم که تقریباً با



او همنم هستم. او بزرگ‌ترین گریمر امریکاست، سه چهار سال بود که گریمر شده بودم، چون کارهای خیلی برجسته انجام می‌داد، دنبال او رفتم. همه فیلم‌های او را به دقت نگاه می‌کردم، آن موقع وضعیت اطلاعات مثل حالا نبود که سریع هر چه دلت می‌خواست به دست بیاوری، آن موقع سخت بود، باید خیلی منتظر می‌شدم تا یک فیلم به ایران بیاید که «ریک بیکر» گریمر آن را انجام داده است. به هر حال کارهای «ریک بیکر» را دوست داشتم و بیشتر مواقع تحت تأثیر آن بودم.

❑ **آیا تا به حال با کسانی بر خورد کرده‌اید که گریمر روی چهره آنها ننشسته باشد؟**

بله، چون از درونش نیامده و انتخاب او برای آن نقش غلط است، به تعبیری آن فرد همین طوری انتخاب شده تا این نقش را بازی کند. مسلم است من هر کاری هم کنم، آن آدم شبیه شخصیتی که می‌خواهیم نمی‌شود.

❑ **تا به حال برای چند فیلم چهره پرداز می‌کرده‌اید؟**
زیاد خاطر من نیست، ولی در پایگاه اطلاع‌رسانی خودم حدود ۱۷۰ فیلم هست که خودم طراحی و اجرا کردم ولی یواش، یواش نیاز بیشتری به گریمر در ایران بود و رشد آن در کشور خیلی زیاد شد. در نتیجه، مجبور شدم خیلی کارها را طراحی و مجری‌های دیگری را برای اجرای آنها انتخاب کنم.

❑ **کارهای چه کارگردان‌هایی برای شما خوشایند بوده و دوست داشتید با او همکاری کنید؟**

کارگردان‌های زیادی بودند که من دوست داشتم با آنها کار کنم اما همیشه آدم سعادت ندارد که در خدمت همه باشد. ولی وقتی با «علی حاتمی» کار می‌کردم خیلی لذت می‌بردم، چون رفاقت قاطی کار بود. البته همه کارگردان‌ها را دوست دارم و تفکیکی بین‌شان قائل نمی‌شوم، در سنی هم نیستم که بخواهم به آنها «آوانس» بدهم، همه‌شان را دوست دارم و از کار با آنها لذت می‌برم، چون سؤال کردید که اسمم ببرم بعد از علی حاتمی، کارهای داوود میرباقری چون واقعاً به من اعتماد می‌کند و کارگردانی است که کارم را می‌بیند و قبول دارد.

❑ **شما در زمینه گریمر مدتی هم در خارج، به خصوص در کشورهای عربی فعالیت کردید، از آن کارها بگویید؟**

زمانی که «سیف‌الله داد» فیلم «بازمانده» را در سوریه کار می‌کرد، چهره پرداز آن من بودم. در آنجا با عده‌ای از بازیگرها آشنا شدم، چون سطح گریمر آنها خیلی پایین است از من خواستند گریمر فیلم سنگینی مثل فیلم «صلاح‌الدین ایوبی» را انجام دهم. زمانی که این فیلم را چهره پرداز می‌کردم، خیلی شهرت پیدا کردم. آنها دیگر به اسکندری کاری نداشتند و می‌گفتند گریمر ایرانی بیاورید، این برایم شادی آور بود.

❑ **و حرف آخر...**

بگذارید به سهم خودم از خوانندگان روزنامه ایران یک تشکر شخصی کنم، در این سن اگر من این کارها را انجام می‌دهم به عشق آنها است. فقط به عشق تماشاچی است، لبخند آنها واقعاً یک دنیا به من لذت می‌دهد. وقتی گریمر را دیده و به من می‌گویند، نمی‌دانم کجا سیر می‌کنم، گفتنی نیست. من از آنها تشکر می‌کنم.



کشف چهره‌ها برای آدم زیباست و باز خورد آن را در دیگران می‌بینی مثل آئینه است و نگاه مردم برای کار من مثل آئینه است. چهره دیگران، جواب خوبی به کار من می‌دهد، از این کار یک لذت عاشقانه می‌برم. از این که توانستم، یک چهره را آن طور که مردم دوست دارند، به آن چهره نزدیک کنم

ایران
■ پنجشنبه
■ ۱ اسفندماه ۱۳۹۲
■ ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۵
■ ۲۰ فوریه ۲۰۱۴